یادداشت

تفکیک وزارتخانه «صمت» ضرورت امروز کشور

مهدی تقوی . استاد دانشگاه علامه‌طباطبایی

● وزارتخانه‌های «اقتصادی» و «ساختار سیاسی» هر کشور از جمله مهم‌ترین ارکان اداره یک کشور محسوب می‌شوند و در ایران، وزارتخانه‌های صمت، اقتصاد و دارایی و همچنین بانک مرکزی از مهم‌ترین بخش‌های بدنه اقتصادی دولت محسوب می‌شوند، به همین دلیل، انتخاب مسئولان و وزرا در این وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها نیز به دلیل اهمیت نقش آنها اهمیتی بسیار زیاد دارد و طبیعی است که انتخاب مسئولان این مراکز در تمامی دولت‌ها با حساسیت خاصی انجام شده و توسط همگان رصد شود.

وزارت «صمت» از جمله رکن‌های مهم در کشور است که در شرایط فعلی نیاز است دولت به فکر سامان‌دادن به این وزارتخانه باشد و یکی از مواردی که در مورد این سامان‌بخشی می‌توان اشاره کرد، تفکیک وزارت تجارت یا بازرگانی از وزارت صنعت و معدن است.

واقعیت این است که بار وظایف بازرگانی سنگین است و جمع‌کردن وظایف این وزارتخانه و دو وزارت دیگر در یک وزارتخانه و انداختن وظیفه سه بخش مهم از اقتصاد کشور بر دوش یک وزیر درست نیست.

بازرگانی ایران در شرایط کنونی باید متخصصان و اقتصاددانان بین‌المللی را جذب کند و این در حالی است که صنعت و معدن یک تخصص دیگر است.

البته سازمان برنامه‌وبودجه نیز همین آشفتگی را داشت و وضعیت آن به‌شدت نابسامان بود. فاجعه از زمانی آغاز شده بود که در دوره آقای احمدی‌نژاد، مغز اقتصاد کشور را منحل کردند و یک سازمان بزرگ با متخصصان کارکشته را به یک دفتر، زیر نظر ریاست‌جمهوری تبدیل کردند. احیای این سازمان پس از این فاجعه، کار سختی بود، چراکه متخصصان این سازمان پراکنده شده بودند و نیروهای آموزش‌دیده‌ای که زیر دست قدیمی‌ها رشد کرده بودند از سازمان برنامه‌وبودجه رفته بودند و در این شرایط جمع‌کردن بدنه کارشناسی، آن هم کارشناسان زبده گذشته، در این سازمان کاری زمان‌بر و سخت بود.

وزارت صنعت، معدن و تجارت - صمت - پس از تصویب مجلس و شورای نگهبان، در راستای طرح کوچک‌سازی دولت با ادغام دو وزارتخانه صنایع و معادن و بازرگانی تشکیل شد. با گذشت چندین‌سال از این ادغام، نظرات بسیار متفاوتی در مورد ادغام یا کوچک‌سازی این وزارتخانه وجود دارد. موافقان این طرح بر این باورند که ادغام باعث کاهش هزینه‌ها و تسریع در امور شده، اما مخالفان معتقدند که این ادغام نه‌تنها منجر به کوچک‌سازی نشده، بلکه حتی افزایش هزینه‌ها و نیروی انسانی را نیز در پی داشته و بوروکراسی را پیچیده‌تر کرده است.

با درنظرگرفتن تمامی جوانب، اکنون نیاز کشور ایجاب می‌کند که حوزه بازرگانی از این مجموعه جدا شود و حتی اگر این وزارتخانه تفکیک نشود، دولت باید چند معاون ویژه برای بازرگانی در نظر بگیرد و این در حالی است که با توجه به شرایطی که در این وزارتخانه پیش آمده، این کار، کاری سخت و دشوار است.دولت از چندی پیش در این فکر بوده که در وزارتخانه صمت تفکیک ایجاد کند. حتی در مورد اینکه اقدامات کارشناسی در مورد آن صورت بگیرد صحبت‌هایی شده است. باید در نظر داشت که وزارت بازرگانی مسئول توسعه و بهبود امکانات بازرگانی و تنظیم قانون‌ها و سیاست‌های کشور در حوزه دادوستد است و این مسئولیت‌ها از اصلی‌ترین نیازهای کشور در شرایط کنونی است.

خبر

پایان بی‌نتیجه اولین جلسه دستمزد ۹۸

● عضو کمیته مزد شورای‌عالی کار گفت: تصمیم برای حفظ قدرت خرید و ترمیم دستمزد ۹۸ کارگران به جلسات آتی موکول شد. به گزارش تسنیم، محمدرضا تاجیک، نماینده مجمع عالی نمایندگان کارگران در شورای‌عالی کار، با اشاره به اولین جلسه شورای‌عالی کار درباره مزد ۹۸ گفت: بدون هیچ برنامه‌ای از سوی شرکای اجتماعی برای ترمیم مزد و حفظ قدرت خرید پس از چهارونیم ساعت مذاکره بی‌نتیجه پایان یافت. عضو کمیته مزد درباره این جلسه گفت: با توجه به جلسات کمیته مزد و مشخص‌شدن اختلاف هزینه زندگی کارگران در سال جاری و سال گذشته، مبلغ اعلامی نمایندگان کارگران برای مشخص‌شدن حداقل دستمزد، افزایش مبلغ یک‌میلیون و هشتاد هزار تومانی برای حفظ قدرت خرید ازدست‌رفته در اولین روز شورای‌عالی کار بود که متأسفانه با توجه به ارائه‌نشدن برنامه از سوی شرکای اجتماعی به جلسه آتی موکول شد.

راهکار عجیب رئیس‌جمهور برای برخی شرکت‌های تأمین اجتماعی

بخشش از جیب مردم

عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری

محمدتقی جبارزاده: رئیس‌جمهور روحانی، روز گذشته در جمع مدیران ارشد وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مطالبی را درباره سازمان تأمین اجتماعی و شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) عنوان کرد که در نوع خود بسیار مهم و البته چالش‌آفرین بود. روحانی در این سخنرانی سال آینده را سال واگذاری شرکت‌های شستا خواند و این مجموعه را چیزی بین خصولتی و دولتی دانست. روحانی با انتقاد جدی از مدافعان استقلال تأمین اجتماعی از دولت گفت: «وقتی به شستا می‌گفتیم کاری را انجام دهید، اینهایی که اطراف آقای ربیعی بودند می‌گفتند تأمین اجتماعی که متعلق به بازنشستگان است، دولت چه‌کار دارد؟ انگار که اینها نماینده بازنشستگان هستند و بازنشستگان این افراد را انتخاب کرده‌اند، درحالی‌که ما شما را روی این کار گذاشته‌ایم، ما وزیر انتخاب کرده‌ایم و وزیر شما را انتخاب کرده». روحانی در بخش دیگری از سخنانش حتی تا آنجا پیش رفت که خواستار واگذاری «مجانی» برخی شرکت‌های شستا شد و فاش کرد شرط اصلی‌اش برای انتخاب شریعتمداری به‌عنوان وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ازبین‌بردن شستا تا پایان دولت دوازدهم بوده است؛ سخنانی که احتمالا بسیاری از دلسوزان و کارشناسان حوزه تأمین اجتماعی را نگران کرده و به همین دلیل لازم است روشن شود چرا اغلب این موارد ناشی از مشاوره غلط اطرافیان یا اطلاعات ناقص رئیس دولت است.

چه‌کسی باید طلبکار باشد؟

انتقاد رئیس‌جمهور به تأمین اجتماعی در شرایطی که این سازمان در چند دهه گذشته به‌شدت از سوی دولت‌های گوناگون مورد لطمه شدید مدیریتی و اقتصادی قرار گرفته و هم‌اکنون نیز دولت بزرگ‌ترین بدهکار سازمان تأمین اجتماعی محسوب می‌شود فی‌نفسه عجیب است. رئیس‌جمهور در حالی به بزرگ‌بودن مجموعه شستا ایراد گرفته که دولت‌ها مهم‌ترین مقصر چنین وضعیتی در شستا هستند. هرچند شستا از سال ۱۳۶۵ به منظور سرمایه‌گذاری نقدینگی‌های سازمان تأمین اجتماعی برای صیانت از اموال بیمه‌شدگان برای نسل‌های آتی شکل گرفته، اما بخش عمده‌ای از شرکت‌های شستا، در نتیجه رد دین دولت به سازمان تأمین اجتماعی تحت مالکیت شستا درآمده‌اند. در حقیقت، آنچه شستا را به ابعاد امروزی درآورده، عدم توانایی دولت‌ها در پرداخت دیون خود به صورت نقدی به سازمان تأمین اجتماعی بوده است. دولت به‌جای پرداخت نقدی دیون خود که قطعا موردعلاقه سازمان تأمین اجتماعی هم بوده، به واگذاری دارایی‌ها و سهام خود به این سازمان اقدام کرده و عمده شرکت‌های شستا، همان شرکت‌هایی هستند که در دو قالب «واگذاری دارایی» یا «واگذاری سهام» در قالب رد دین دولت به سازمان تأمین اجتماعی منتقل شده‌اند، آن هم شرکت‌ها یا دارایی‌هایی که سازمان تأمین اجتماعی نه در تصمیم راجع به اصل واگذاری آنها، نه در انتخاب آنها و نه در قیمت‌گذاری آنها هیچ نقشی نداشته و صرفا به صورت دستوری در قالب قوانین بودجه و تصویب‌نامه‌های هیئت وزیران آنها را به‌جای مطالبات خود دریافت کرده که بخشی از آن نیز در دولت آقای روحانی انجام شده است. تنها یک نمونه از این نحوه واگذاری‌ها که تا امروز بیش از هزار میلیارد تومان زیان به تأمین اجتماعی وارد کرده، واگذاری شرکت رجا به سازمان تأمین اجتماعی توسط دولت است. رجا در حالی توسط تأمین اجتماعی اداره می‌شود که همه وظایف دولتی خود را انجام می‌دهد، اما هیچ یارانه‌ای از دولت دریافت نمی‌کند. این شرکت در حالی مشغول جابه‌جایی ارزان‌قیمت و غیراقتصادی مسافران، خصوصا در مسیرهای قطار شهری است که نه حق افزایش قیمت را دارد و نه دولت بابت این زیان مداوم یارانه‌ای به رجا می‌دهد. به عبارت بهتر، دولت به‌جای پرداخت بدهی خود به تأمین اجتماعی یک شرکت به تأمین اجتماعی داده که همان وظایف دولت را انجام دهد، اما ضررش را از جیب کارگران پرداخت کند. نکته غم‌انگیز این است که مشخص است هیچ فعالی در بخش خصوصی هنوز آن‌قدر دل‌باخته خدمت به کشور نشده که چنین مجموعه زیان‌دهی را با چنین کسب‌وکار غیرعقلانی از تأمین اجتماعی بخرد و یقینا هنگامی که از واگذاری‌ها سخن رانده می‌شود، مشتریان برای خرید شرکت‌هایی صف می‌کشند که همین امروز مهم‌ترین منبع تأمین حقوق بازنشستگان و درمان کارگران تحت پوشش تأمین اجتماعی هستند. آمارها نشان می‌دهد ۲۰ درصد از شرکت‌های شستا، ۸۰ درصد درآمدهای شستا را ایجاد می‌کنند و یقینا همین شرکت‌های سودده هستند که در فرایند واگذاری از دست خواهند رفت. درمقابل راه‌حلی که رئیس‌جمهور در همین سخنرانی برای واگذاری شرکت‌های زیان‌ده ارائه می‌کند، «واگذاری مجانی» آنهاست؛ واگذاری مجانی شرکت‌هایی که مجانی به دست نیامده‌اند و دولت آنها را به‌جای بدهی خود به تأمین اجتماعی داده و از آن مهم‌تر، متعلق به دولت نیستند که رئیس‌جمهور بتواند آنها را به کسی بذل‌وبخشش کند. البته رئیس‌جمهور در همین سخنرانی خود صرف قدرت انتخاب قانونی وزیر و اختیارات گسترده دولت در اداره تأمین اجتماعی را به معنای حق تعیین‌تکلیف‌هایی چنین سترگ برای این سازمان می‌داند؛ تصمیم‌گیری‌هایی که تا امروز نتیجه‌ای جز فقیرترشدن تأمین اجتماعی و سوءمدیریت حداکثری منابع آن نداشته است.

چه‌کسی باید شکایت کند؟

نکته جالب دیگر آن است که رئیس‌جمهور روحانی در حالی در مقام رئیس دولت از نحوه اداره شستا و تأمین اجتماعی گلایه‌مند است که برخلاف فلسفه صندوق‌های بازنشستگی ازجمله تأمین اجتماعی که باید به شکل سه‌جانبه به وسیله کارگران، کارفرمایان و دولت اداره شود، در همه دولت‌های پیشین و فعلی این دولت‌ها بوده‌اند که تأمین اجتماعی را تحت کنترل کامل خود داشته و به نحو دلخواه خود منابع آن را در مسیرهای موردعلاقه خود هزینه کرده‌اند. در شهرهایی که بیمه‌پرداز تأمین اجتماعی چندانی نداشته، برای عموم مردم با پول تأمین اجتماعی بیمارستان ساخته‌اند، در سیل و زلزله و بحران از منابع آن در مسیر خواسته‌های خود بهره برده‌اند، شرکت‌های زیان‌ده و بدون مشتری خود را به اسم رد دیون و به جای بدهی‌های خود به تأمین اجتماعی داده‌اند و سال‌ها از تسویه‌حساب کامل با این سازمان خودداری کرده‌اند و همه این امور به مدد همان قوانینی ممکن شده که صندوق بیمه‌ای تأمین اجتماعی را به قلک دولت‌ها تبدیل کرده است. طبق ماده «۱۷» قانون ساختار جامع رفاه، ارکان صندوق‌های بیمه‌ای ازجمله تأمین اجتماعی مرکب از «هیئت‌امنا»، «هیئت‌مدیره»، «مدیرعامل» و «هیئت نظارت» است. اجازه بدهید نگاهی به ترکیب این ارکان بیندازیم. نصف به‌علاوه یک اعضای هیئت‌امنای تأمین اجتماعی از سوی وزیر رفاه و با تأیید شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی و تصویب هیئت وزیران انتخاب می‌شوند. هیئت‌مدیره صندوق‌ها را نیز هیئت‌امنا تعیین کرده و مدیرعامل نیز به پیشنهاد هیئت‌مدیره و تصویب هیئت‌امنا منصوب می‌شود. فراتر از ماده (۱۷) قانون مذکور، در ماده ۷ اساسنامه صندوق تأمین اجتماعی، هیئت‌امنا صندوق ۹ نفر ذکر شده‌اند که شش نفر از آنها از سوی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی انتخاب می‌شوند. یکی از وظایف هیئت‌امنای سازمان تأمین اجتماعی انتخاب هیئت‌مدیره سازمان تأمین اجتماعی است و مستند به بند «چ» ماده (۱۲) اساسنامه صندوق تأمین اجتماعی، تعیین اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌ها و مؤسسات تابع بدون واسطه و هلدینگ‌های زیرمجموعه برای صدور حکم از سوی مدیرعامل «پس از تأیید وزیر رفاه» ازجمله وظایف هیئت‌مدیره ذکر شده است؛ بنابراین کاملا روشن است که نه‌تنها دولت در تعیین سیاست‌های کلان و نحوه اداره سرمایه‌گذاری‌های سازمان تأمین اجتماعی نقش اصلی را دارد؛ بلکه در مقام اجرا هم همه امور را در این صندوق کنترل می‌کند. سؤال مهم در اینجا این است که آیا بهتر نیست دولت به جای گله و شکایت از عملکرد خودش، سهم کارگران و کارفرمایان را در اداره صندوق تأمین اجتماعی پس بدهد تا بتوانند از منافع خود در برابر دولت دفاع کنند؟!

شرط خطرناک

رئیس‌جمهور در بخش دیگری از سخنرانی‌اش خبر می‌دهد شرط اصلی‌اش برای نصب شریعتمداری در رأس وزارت کار، ازبین‌بردن شستا بوده و می‌گوید: «من به آقای شریعتمداری گفتم یک شرط اصلی دارم و آن این است که پایان دوره دولت، شستایی دیگر نباید باشد. شستا به معنای مدیریت اقتصادی دیگر نباید باشد و اگر جایی سهام دارید و حساب و کتاب دارید، اشکال ندارد؛ اما دیگر کار اقتصادی انجام ندهید». این شرط رئیس‌جمهور برای ازبین‌رفتن شستا تنها در مدت دو تا سه سال آینده در حالی مطرح می‌شود که واگذاری باعجله چنین مجموعه عظیمی قطعا به معنای بی‌توجهی به ارزش واقعی دارایی و سهام این مجموعه خواهد بود. از سوی دیگر اموال و دارایی‌های صندوق‌ها ازجمله سازمان تأمین اجتماعی براساس بند «د» ماده (۷) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، اموال عمومی محسوب شده، تحت مالکیت مشاع و متعلق به همه نسل‌های جامعه تحت پوشش است. در بند «۳» ماده (۲۸) قانون تأمین اجتماعی نیز «درآمد حاصل از وجوه و ذخایر و اموال سازمان» نیز در زمره «منابع حصری» درآمد سازمان تأمین اجتماعی ذکر شده است. سؤال مهم دیگر این است که سازمان تأمین اجتماعی با مبلغ حاصل از این واگذاری چه کند؟ تأمین اجتماعی یا ناچار است وجوه را به بازار ملک برده و در آنجا سرمایه‌گذاری کند که فایده‌ای برای هزینه‌های جاری تأمین اجتماعی نخواهد داشت یا در سپرده بانکی قرار داده و سود بانکی اخذ کند که به معنای نابودی اندک‌اندک این سرمایه‌ها خواهد بود. آیا چنین کاری می‌تواند نیازهای مالی یک صندوق بیمه‌ای با ابعاد ۴۰ میلیون نفر را تأمین کند؟ از سوی دیگر اگر سازمان تأمین اجتماعی وجوه حاصل از واگذاری را با رعایت همه محدودیت‌ها در بازار بورس و سهام سرمایه‌گذاری کند و از مدیریت بنگاه‌ها کناره‌گیری کند، آن‌گاه در عمل اموال بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی به کسانی سپرده شده که هیچ ارتباطی با این صندوق و افراد تحت پوشش آن ندارند. همه این موارد در کنار یکدیگر نشان می‌دهد اگر درخواست‌های رئیس‌جمهور در سخنرانی‌اش و شرطی که برای وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی تعیین کرده است، عملیاتی شود، سازمان تأمین اجتماعی به‌سرعت به سرنوشت صندوق بازنشستگی کشوری و سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح دچار می‌شود. بااین‌حال تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی ورشکسته فعلی یک تفاوت مهم دارند. سازمان تأمین اجتماعی آن‌قدر بزرگ و هزینه‌های سالانه‌اش آن‌قدر سنگین است که هیچ دولتی قادر به تحمل فشار آن نخواهد بود. سخن از پُرشدن چشمه‌ای است که پیل‌ها و بیل‌ها را هم‌زمان خواهد برد.

لزوم شفاف‌سازی درباره بهانه ارزی واردکنندگان گوشت

بررسی‌ها نشان می‌دهد درحالی‌که بانک مرکزی مشکلات ارزی واردکنندگان گوشت را رد می‌کند، واردکنندگان باید به این پرسش پاسخ دهند که چرا برای ترخیص کالا از تسهیلات دولت استفاده نکرده‌اند.

به گزارش تسنیم، در روزهای گذشته بحث دپوی ۷۰۰ کانتینر گوشت در کانتینرهای یخچال‌دار بنادر جنوبی از سوی رسانه‌ها با بازخورد درخور توجهی روبه‌رو شد. بعد از مطرح‌شدن بحث دپوی ۱۷هزار تن گوشت قرمز، دادستان بندرعباس با توجه به دستور رئیس قوه قضائیه به موضوع ورود کرد. این مقام قضائی ضمن تأیید دپوی ۱۷هزار تن گوشت در منطقه ویژه شهید رجایی، بحث تعمدی‌بودن دپوی گوشت را نیز تأیید کرد.

گفتنی است محموله‌های وارداتی ابتدا در مناطق ویژه اقتصادی و بنادر کشور تخلیه شده و بعد از اظهار به گمرک ترخیص می‌شوند. درخصوص محموله‌های گوشت مذکور اصولا اظهار به گمرک انجام نشده است تا برای تعیین تکلیف آنها اقدام جدی انجام شود. در ادامه جزئیات کانتینرهای حامل گوشت دپوشده تا بهمن‌ماه امسال قابل مشاهده است. گفتنی است برخی از این کانتینرها با ورود به‌موقع دستگاه قضائی محموله‌های خود را به گمرک اظهار کرده‌اند و بار آنها ترخیص شده است.بررسی‌ها نشان می‌دهد تعداد قابل‌توجهی از کانتینرهای مذکور به شرکت پشتیبانی امور دام تعلق داشته که با ورود برخی وزرا مشکل این محموله‌ها در حال برطرف‌شدن بوده و به‌زودی شاهد ترخیص محموله مذکور نیز خواهیم بود. بعد از افزایش التهابات در بازار گوشت قرمز، به‌صورت جدی به این پرونده ورود شده و اطلاعات قابل‌توجهی نیز درخصوص مصرف، تولید و واردات این محصول منتشر شد. درحال‌حاضر یکی از دلایل مهم واردکنندگان، مشکلات ارزی و بانکی در خصوص عدم ترخیص محموله‌های گوشت از گمرک است.

این در حالی است که بررسی خبرنگار تسنیم نشان می‌دهد، اصولا بحث ارزی در این فقره خیلی قابل اعتنا نیست؛ کما اینکه یکی از مقامات ارشد بانک مرکزی نیز وجود مشکلات ارزی در خصوص اسناد وارداتی محموله‌های گوشت قرمز را رد کرده است.

جدای از این بحث که لازم است بانک مرکزی به‌صراحت درباره آن اظهار نظر کند، به‌نظر می‌رسد واردکنندگان نیز تا حدودی در این زمینه سرعت لازم را در دستور کار خود قرار نداده‌اند.

برای مثال اخیرا دولت تسهیلات ویژه‌ای را برای ترخیص کالاهای اساسی در نظر گرفته است که این دست واردکنندگان به‌راحتی می‌توانستند از آن استفاده کنند. یکی از این تسهیلات ترخیص ۸۰ درصد محموله در گمرک مانده است که مشخص نیست چرا واردکنندگان برای حل‌وفصل مشکلات خود به مراجع ذی‌صلاح مراجعه نکرده و محموله‌های آنها در گمرک دپو شده است.

گذر

ششمین عرضه نفت خام در بورس انرژی؛ ۱۳ اسفند

● اطلاعیه ششمین عرضه نفت خام سبک شرکت ملی نفت ایران در رینگ بین‌الملل بورس انرژی در ۱۳ اسفند منتشر شد.به گزارش شرکت ملی نفت، اطلاعیه ششمین عرضه نفت خام سبک شرکت ملی نفت ایران در رینگ بین‌الملل بازار فیزیکی بورس انرژی منتشر شد. شرایط عرضه در این دوره مشابه عرضه پیشین است. پیش‌پرداخت شش درصد و امکان تسویه صد درصد ریالی از ویژگی‌های این عرضه است. همچنین مدت تسویه حساب از زمان بارگیری ۹۰ روز تعیین شده است.در مرحله ششم عرضه نیز مانند نوبت پیش یک میلیون بشکه نفت خام سبک با حجم خرید حداقل ۳۵ هزار بشکه و قیمت پایه ۵۹دلارو ۶۳ سنت برای هر بشکه تعیین شده است.پنجمین عرضه در ۲۹ بهمن با فروش ۳۵ هزار بشکه به قیمت ۵۲دلارو ۲۵ سنت به‌ازای هر بشکه انجام شده بود. قیمت پایه در عرضه پنجم ۵۶دلارو ۸۱ سنت برای هر بشکه بود.براساس این گزارش، عرضه نفت خام در بورس انرژی ایران همسو با تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مبتنی بر ایجاد تنوع در روش‌های فروش نفت و استفاده از ظرفیت‌های بخش غیردولتی برای صادرات نفت‌خام در دستور کار قرار گرفته است.

آغاز به کار کریدور ترانزیتی افغانستان- ایران- هند

● گمرک از آغازبه‌کار کریدور ترانزیتی افغانستان- ایران- هند خبر داد و اعلام کرد: اولین محموله ترانزیتی تحت صحابت کارنه تیر از افغانستان بارگیری و به گمرک چابهار ترانزیت شد تا به هند انتقال یابد.به گزارش گمرک ایران، در راستای توسعه ترانزیت در کریدور میلک- چابهار، رویه کارنه تیر در مسیر افغانستان- ایران- هند و از مسیر گمرک میلک با اولین کارنه به سمت گمرک چابهار اجرائی شد.با عملیاتی‌شدن این رویه، امکان ترانزیت کالا از مبدأ افغانستان به مقصد منطقه آزاد چابهار و سایر کشورها و از جمله کشور هندوستان و بالعکس تحت صحابت کارنه تیر فراهم شد.کارنه تیر سند تضمین بین‌المللی است که بین ۷۶ کشور عضو کنوانسیون تیر برای ترانزیت کالا استفاده می‌شود و جمهوری اسلامی ایران جزء مهم‌ترین کشورهای عضو است.